



ترانه های فارسی

در شماره های ششم و هفتم مجله موسیقی شه ای درباره ترانه های عامیانه فارسی کوشزد کردیم؛ اینک بطور نمونه دستچینی از مجموعه مختصر ترانه های کردی که آقای مهدی غنیمی آموزگار سرود سنندج و کردستان در سنه ۱۳۱۳ جمع آوری نموده و برای هنرستان عالی موسیقی فرستاده نقل مینمائیم. - صرف نظر از اهمیت ادبی و لنوی ترانه های مزبور که بنظر میآید آقای غنیمی در نقل و ترجمه آنها تا اندازه ای دقت کرده است، و البته شایسته تر بود که متن زبان بومی با حروف



آقای مهدی غنیمی

صدا دار (Alphabet phonétique) نوشته میشد؛ ترانه های محلی مزبور از لحاظ موسیقی

اهمیت بسزائی دارد . هر چند در صحت نت آنها اطمینان کامل نداریم ، زیرا برای ضبط آهنگهای بومی و محلی وسایل دقیقی وجود دارد ، مانند ماشین ضبط صوت ، بعلاوه نوشتن نت باید توسط شخصی انجام بگیرد که در تحت نفوذ آهنگها و یا دستگاه هائی که به آنها سابقه دارد نبوده باشد و عین الحان و اوزانی که از زبان روستایان و یا اشخاص بسواد میشوند یادداشت نکند . معینا ، ه آت آقا، غم



رتال جامع علوم انسانی



سرت پتی ، که بینم زلفانت ، تا کیان شیرین یکم قروانت ،
یارب ، یارب ، رحیمه - دو یکم دلی نشکینه !
سه کس له دنیا هر ندارو خواو ؛ اول بایقش ، دوم نهر آو ؛
یارب ، یارب ، رحیمه - دو یکم دلی نشکینه !



در اثناء چاپ مجله خبر فوت آقای غنیمی با اداره رسید .
کارکنان مجله و اداره موسیقی کشور تأثر وهمدردی خود را
درین غم اظهار داشته، عموم همکاران و خویشاوندان آن مرحوم
را درین ماتم تسلیت میدهند .



آقای مهدی غنیمی

صدا دار (Alphabet phonétique) نوشته میشد : ترانه های محلی مزبور از لحاظ موسیقی

اهمیت بسزائی دارد . هر چند در صحت نت آنها اطمینان کامل نداریم ، زیرا برای ضبط آهنگهای بومی و محلی وسایل دقیقی وجود دارد ، مانند ماشین ضبط صوت ، بعلاوه نوشتن نت باید توسط شخصی انجام بگیرد که در تحت نفوذ آهنگها و یا دستگاه هائی که به آنها سابقه دارد نبوده باشد و عین الحان و اوزانی که از زبان روستایان و یا اشخاص یسواد میشوند یادداشت بکند . مع هذا ، هر آینه آقای غنیمی همان دقتی که در جمع آوری اشعار و ترجمه آنها نموده در نت نویسی نیز بکار برده باشد ، زحمت ایشان قابل تقدیر است و امیدواریم سایر موسیقی دانهایی که در شهرستان ها میباشند ، بایشان تاسی نموده و با دقت بیشتری هم خود را صرف گردآوری ترانهها و آهنگهای بومی و محلی بنمایند .

در اینجا نمونه ای از آهنگهای ضربی کردی که به همراهی سرنا ، دهل و دایره نواخته میشود و اغلب با رقص چوبی توام است ، مطابق نت هائی که آقای غنیمی در محل تهیه کرده است درج مینمائیم . در خانه از آقای موسی معروفی تشکر میشود که نوشتن نت ها را عهده دار شده اند .

ص . ۵۰

Andante

سرت پتی ، که بینم زلفسانت ، تا کیان شیرین یکم قروانت ،
 یارب ، یارب ، رحیمه - دو یکم دلی نشکینه !
 سه کس له دنیا هر ندارو خواو : اول بایقش ، دوم نهر آو ؛
 یارب ، یارب ، رحیمه - دو یکم دلی نشکینه !

سوم او کس له دوست بریا گه ، جور برا مردی ، یقی دریا گه .
 یارب ، یارب ، رحیمه - دوستم دلی نشکینه !



سرت را برهنه کن که به بینم زلفانت ، تا جان شیرین بکنم قربانت ،
 یا رب یا رب رحمی کن - دوست من دلش نشکند !
 سه کس درد دنیا هیچ ندارند خواب ، اول چند ، دوم نهر آب ،
 یا رب یا رب رحمی کن - دوست من دلش نشکند !
 سوم آنکس که از دوستش جدا شده باشد ، مانند کسیکه برادرش مرده و بیخه اش باره باشد .
 یا رب یا رب رحمی کن - دوست من دلش نشکند !

Andanté



مانگ شو^۱ برزه مانگ خیلی خوشه^۲ ، دزگیران^۳ بازی شله یار هر ایمشو خوشه ؛
 مانگشو برزه مانگ دای^۴ کن کورمه^۵ ، اشکم زین که شله یار ره که کم دوره ؛
 جفته چاو دری چون پیساله چینی ، حق له نسنه شله یار بو شو نشینی ؛
 تفنک طلا گو چان مدرسه ، بر که بم لاوه شله یار غریبی بسه ؛
 غریب غریب غریب دیاره ، مسکن غریبکل شله یار گوشه و کناره ؛
 بیرت مبو شوکی سر جو ، شفا لالای من شله یار که ولاومی تو ؟
 برو با بر دین بو مال بر خکه^۶ ، اشرفی بوچک شله یار تازه چرخکه .

(۱) مانگشو - خطاب به مهتاب (۲) نامزد بازی - قلعه گیران (۳) اسم دختری است .

(۴) اسم مردی است .

ماه شب خیلی بلند و خیلی خوش است ، نامزد بازی شله یار ، امشب خوش است ،
 مهتاب بلند است ماه رفته بشت کوه ، اسبم را زین کن شله یار و لاهم خیلی دور است ،
 يك جفت چشم داری مانند بیاله چینی ، خدا کند کسی از تو نگیرد شله یار برای شب نشینی ،
 يك تفنگ داری از طلا مانند چوگان مدرسه ، رویت را برگردان اینطرف شله یار غریبی به ،
 غریب در غریب ، غریب دیار است ، مسکن غریبها شله یار در گوشه و کنار است ،
 یادت مباد آنشبی که سر چشمه آب ، من التماس میکردم شله یار و توجواب نمیدادی ؟
 یا برویم منزل برخاک ، شله یار اشرفی تازه که درست شده بتو بدهم .

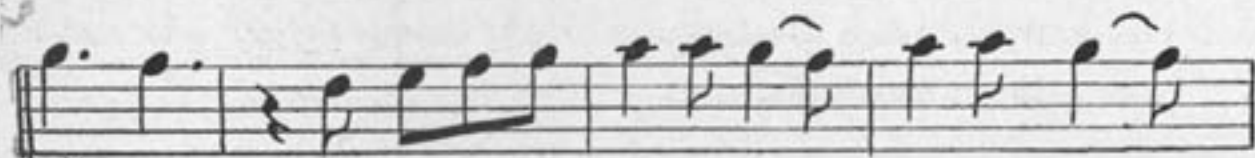


خدا بسینه حقم ز دایت ، خوم جور ت گیشام ، کی نیشته سایت ؟
 منکه مزانم مردی وریمه ، کیان ارای چمه ، مال ارای کیمه ؟
 'خوم و بایقش هر دوک هام دردیم' ، شگاه علوم اکلان و نشینت فر ، زیباوان گردیم ،
 ای دادی بیدا کس دیار نیه ، رمال جامع کس م لفا نورد کس خوردار نیه ؛
 شرط بوله داخت بوم شوانه ، آکال بودسم له جی جوار خانه .



خداوند حق مرا از مادرت بگیرد ، خودم جور ت را کشیدم کی در سایه ات نشست ؟
 منکه میدانم مردن حق است ، جان از برای چیست ؟ مال از برای کیست ؟
 من با جغد هر دو همدردیم ، خرابه نشین و بیابان گردیم ،
 ایداد بیداد ، کسی بیدا نیست ، هیچکس از درد کسی خبر دار نیست ؛
 شرط باشد از درد تو شبگرد بشوم ، جی آکال بیندم بجای دستمال چهار خانه .

Andante



سوزه مرو سوزك سوزك مالم ،
 ناخوش توك في سوزه نشكنى بالم ، آره نشكنى بالم ؛
 بالات آى برز سوزه قدوى باريكى ،
 حصار سوويل سوزه گفتكه تاريكى ، آره گفتكه تاريكى ؛
 كرد گياو بان سوزه برزى عمارت ،
 ويا مشق اك سوزه و چاو اشاره ، آره و چاو اشاره ؛
 بار ايت شوه سوزه نمينه كنگ علم انساني و مطالعات فرنگي
 آرى گواي ليبيوك سوزه من دم دست ، آره من دم دست ؟
 آويدر خالخال سوزه بفرى نچتو ،
 قبلم توريا كه سوزه آشتى ناو تو ، آره آشتى ناو تو ؛
 كرد گياو بان سوزه زيا ديواره ،
 احوال ناپرسه سوزه لمينت داره ، آره لمينت داره ؛
 كم بيو كم برو سوزه بم دور پشت ،
 الله هرزه گل سوزه بچه بگژته ، آره بچه بگژته ؛
 بالاكت برزه سوزه ميه له ديوار ،
 دل هر يكه كه سوزه ميه و هزاره ، آره ميه و هزاره .

ناخوش نشوی عزیزم ، نشکنی بازوی مرا .
 از نور تو ستارهٔ سهیل پنهان شده ؛
 قدم میزنی ، با چشم اشاره میکنی ..
 چه شد آن لیموئی که دستت سیردم ؟
 دوست من سوزه قهر کرده ، هنوز آشتی نکرده ،
 از درد مندان احوال نمیرسد ؛
 خدای عاشقان انتقام از تو بگیرد .
 يك دوست سوزه از هزار نفر بهتر است .

سوزه (۱) مرو سوزه ، ای هستی من ،
 قد باین بلندی ، کمر باین باریکی ،
 سوزه رفتی بالای عمارت بلندی ،
 خاندانت بهم بخورد از آنها کسی نماند .
 برفهای کوه آیدر سوزه خالخال شده .
 سوزه رفته است بالای دیوار بلندی ،
 کمتر آمدورفت کن سوزه در این اطراف .
 بالای بلندت را سوزه مزن بدیوار .

Andante



هر کس مزگانی دوسکم باره ،
 عزیزم کثره براتم ،
 هاوار دوسکی چنانی ؟
 بنوسن لبان سنگ مزارم :
 عزیزم کثره براتم ،
 هاوار دوسکی چنانی ؟
 وی مبانکه قسم بین چنی برزه ،
 اخنبل از دیره چاروم در آره ؛
 عزیز رفیق راتم ،
 امان مالکم رمانی .
 « شهید عشقم ، مکن آزارم ؛ »
 عزیز رفیق راتم ،
 امان مالکم رمانی .
 بوسه دوست کردن و ترسو لرزه .

(۱) سوزه .. اشاره بعشوقه کندمکون .

عزیز رفیق راتم ،
امان مالکم رماتی .

عزیزم کژره براتم ،
هاوار دوسکی چنانی ؟

حق دارد چشم مرا در پیارده ،
عزیز رفیق راهتم ،
امان خانه ام را خراب کردی .
« کشته عشقم ، مکن آزارم ، »
.....
بوسه از دوست کردن با ترس و لرزاست .
.....

هرکس مزده دوست مرا بیارد ،
عزیزم مرا مکش بر اندرتم ،
امان دوستی اینطور است ؟
بشویند لب سنگ مزارم ،
.....
باین ماه قسم ، نگاه کن چقدر بلند است ،
.....

(دنباله دارد)

